

متن پرسش

سلام علیکم. جناب استاد در پاسخ به سوال در مورد ضمانت رزق طالب علم فکر میکنم در این زمینه یک اشتباهی اتفاق افتاده و اینطور که شما فرموده اید و خیلی ها برداشت کرده اند یک چهره نا مطلوب و نا مطبوع از طلبه های عزیز بوجود خواهد آمد خداوند متعال اگر رزق طالب علم را ضمانت کرده از راه و مسیر عقلانی و درستش یعنی کار و فعالیت ضمانت کرده نه اینکه به امید این روایت یک طلبه بنشیند و مطمئن باشد و هیچ فعالیت اقتصادی مستقیم یا غیر مستقیم نکند رزقش میرسد اینکه یعنی سربار دیگران بودن و ایجاد یک وجهه بد بین مردم از طلبه ها. مدرس هم طلبه بود کار هم میکرد و خیلی های دیگر مهم اینست که طلبه نیت طلب علم و نیت کار کردن را داشته باشد و روایت شاید ناظر بر این مفهوم است که خدا رزق او را بواسطه اندک کاری یا براحتی میرساند و از جایکه گمان نمیرد روزی میدهد و این فرق دارد با اینکه شما تشویق کنید طلبه ها را کار نکنند فقط بنشینند طلب علم کنند. برعکس این مطلب هم هست خدا اگر نخواهد علمی نصیب کسی بشود شما اگر کار کردن را رها کنی و شبانه روز دنبال علم بروی نخواهی یافت نمونه اش ایمه اطهار هیچ کدام در نهایت فعالیت های علمی دست از کشاورزی برنداشتند و امام باقر در داستان معروف عرق میریخت فرمود اگر کار میکنم تا محتاج امثال شما نشوم. مگر ایمه ع الگو نیستند پس چرا مطلب را سخت جلوه میدهید. ضمانت روزی برای همه هست طبق نص صریح قران ولی بواسطه کار و فعالیت معمول در دنیا برای طالب علم شاید از بقیه راحت تر و غیر منتظره تر و بیشتر از جایی که گمان نمیرد باشد ولی هیچ کدام نیت کار و فعالیت را رد نمیکند و ضمنا طلبه ای که هم دنبال علم است و هم باری از دوش فعالیت ها و امور دنیایی بر میدارد بهتر میتواند در نشر فرهنگ دینی و عقاید صحیح جلو برود

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی دانم چرا نباید کسب علم و تلاش برای انتشار علم را کار به حساب آوریم؟ چرا فعالیت یک استاد دانشگاه که در علوم تجربی یا جامعه شناسی وارد می شود را کار به حساب بیاوریم و تلاش عالمانی مثل علامه طباطبایی و حضرت امام را کار و فعالیت به حساب نیاوریم. در ضمن عنایت داشته باشید ائمه «علیهم السلام» علم لدنی دارند ولی ما و شما باید با مطالعه و تدبّر در متون دینی علم خود را به دست آوریم و در همین رابطه قرآن در آیه ی ۱۲۲ سوره ی توبه می فرماید: «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر

گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند. موفق باشید